

## نمایندگی در اسناد تجاری

محمدامین دباغی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی

### چکیده

از دیرباز اسناد نقش مهمی در تثبیت و تقویت روابط حقوقی میان اشخاص داشته اند که یکی از مهمترین انواع آن، اوراق تجاری یا در اصطلاح «اسناد تجاری» می باشد. قانونگذار مواد ۲۲۳ الی ۳۳۴ قانون تجارت را به مبحث اسناد تجاری اختصاص داده است اما نسبت نمایندگی در اسناد تجاری توجه چندانی نشان نداده است که نشان دهنده این است که مباحث پیرامون آن را به قواعد عام نمایندگی در قانون مدنی حواله داده است؛ به هر صورت شایسته آن بود که قانونگذار به تفاوت ماهیتی میان نمایندگی در اسناد تجاری و سایر اعمال حقوقی توجه بیشتری نشان می داد؛ علی‌الیه با بررسی قواعد عام حاکم بر نمایندگی و همچنین اصول حقوقی مجری در اسناد تجاری که در این پژوهش صورت گرفت می توان حکم نمود که در صورتی که نمایندگی در صدور، ظهرنویسی، ضمانت و یا هر عمل حقوقی دیگری بر روی سند تجاری انجام می شود، در حدود صلاحیت و اختیارات نماینده باشد و نماینده به سمت نمایندگی خود اشاره و هویت اصیل را افشا نماید، آثار و مسئولیت ناشی از آن عمل حقوقی تماماً بر عهده‌ی اصیل می باشد البته در رابطه با صدور چک استثنائاً قانونگذار نمایندگی در صدور چک را مشمول مسئولیت تضامنی با اصیل می داند؛ در مقابل اگر نمایندگی در اسناد تجاری فاقد ویژگی های بیان شده باشد، نماینده در مقابل دارنده با حسن نیت مسئول سند می باشد چرا که سند از نظر شکلی و ظاهری صحیح تنظیم گردیده و انعکاس امضای نماینده مذکور در جهت اعتبار بخشیدن به سند نقش ایفا کرده است لذا وی مسئول سند در نظر گرفته خواهد شد.

**واژه‌های کلیدی:** اسناد تجاری، نماینده، حسن نیت، اصیل.

## مقدمه

از دهه‌های گذشته تا به امروز اسناد و اوراق تجاری نقش وسیعی را در گستره‌ی بیکران دریای تجارت ایفا نموده است از طرفی دیگر گاه مشغله زیاد یا اجبار با هت می‌گردد که خود شخص نتواند نسبت به انجام عملی از جمله صدور اسناد تجاری اقدام نماید لاجرم بایستی شخص دیگری را به عنوان نماینده برای انجام اعمال مورد نظر خود منصوب نماید.

همانطور که بعدا اشاره خواهد شد در قواعد عام نمایندگی در صورت انعقاد قرارداد یا هرگونه عمل حقوقی دیگر توسط نماینده، اصولا کلیه آثار و مسئولیت‌های ناشی از آن عمل متوجه اصیل می‌باشد اما در فضای قانون تجارت مقرره‌ی خاصی در ارتباط با نمایندگی در اسناد تجاری به چشم نمی‌خورد حال آنکه خصیصه‌های خاص اسناد تجاری موجب می‌گردد که قواعدی خاص آن تدوین گردد. مبحث نمایندگی آنجا اهمیت می‌باید که با اشخاص حقوقی مواجه می‌شویم، اشخاصی که براساس قانون دارای اغلب حقوق اشخاص حقیقی می‌باشند اما خود قادر به انجام امور خود نمی‌باشند و الزاما بایستی به وسیله نماینده خود به رفع امور مرتبط با خود اقدام نمایند.

همین مسائل ایجاب می‌کند که در خصوص شرایط نمایندگی و مسئولیت وی در ارتباط با صدور، ظهر نویسی یا هرگونه عمل حقوقی دیگر بر روی سند تجاری پژوهشی البته لازم به ذکر است که مراد از اسناد تجاری در این پژوهش اسناد تجاری به معنای اخص یعنی برات، سفته و چک می‌باشد. در این پژوهش سعی شده بر اساس منابع موجود و قوانین مرتبط با مبحث با روش توصیف تحلیلی و با توسل به منابع کتابخانه‌ای پژوهشی صورت گیرد.

به منظور روشن شدن بحث بهتر است ابتدا به بیان تعاریفی از اسناد و نمایندگی بپردازیم:

## ۱: سند چیست؟

براساس ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی: «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد»؛ بنابراین اگرچه در عرف عامیانه بعضا سند را در معنای مطلق ادله استفاده می‌نمایند اما براساس قانون مدنی سند الزاما بایستی نوشته‌ای باشد که در اثبات یا دفاع از حقی قابلیت استفاده داشته باشد.

قانون اسناد را به دو دسته اسناد رسمی و عادی، تقسیم بندی می‌نماید؛ اسناد رسمی اسنادی هستند که دارای سه ویژگی مصرح در قانون باشند این سه ویژگی عبارتند از: ۱- توسط مامورین رسمی تنظیم شود ۲- در حدود اختیارات مامور رسمی تنظیم شود ۳- بر اساس قوانین و مقررات تنظیم شود. مابقی اسنادی که مطابق شرایط ذکر شده تنظیم نگردند، اسناد عادی محسوب می‌شوند؛ سبب این تفکیک وجود مزیت‌های قانونی برای اسناد رسمی در مقابل اسناد عادی می‌باشند؛ برای مثال برخلاف اسناد عادی، در مقابل اسناد رسمی ادعای انکار و تردید پذیرفته نیست و یا اینکه در مقام تعارض اسناد رسمی با اسناد عادی از نظر تاریخ ایجاد سند، تاریخ اسناد رسمی سابق از سند عادی فرض می‌شود (اصل تاخر حادث) همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرا محسوب می‌شوند و قابلیت اجرای مستقیم توسط دایره اجرا ثبت اسناد و املاک را دارا می‌باشند درحالی که اسناد عادی اصولا فاقد مزیت اخیرالذکر می‌باشند.

## ۲: سند تجاری

در قانون تجارت ایران تعریفی از اسناد تجاری ارائه نشده است اما در مواد ۲۲۳ الی ۳۱۹ در رابطه با سه سند تجاری مهم که عبارت است از «برات، چک، سفته» احکامی بیان شده است، عبارت سند در مواد قانونی برای اشاره به اسناد تجاری استفاده نشده است بلکه فقط در تبصره ماده ۲۴۴ قانون تجارت از چک، سفته و برات، تحت عنوان اوراق تجاری نام برده شده است لذا استعمال عبارت سند تجاری ریشه در دکترین حقوقی دارد علی‌ایحال مشخص است که مراد از اسناد تجاری همان اوراق تجاری می باشد.

گفته شده است که اسناد تجاری اسنادی است که قابلیت معامله داشته و معرف طلبی در سررسید معین به نفع دارنده آن می باشد البته بیان اخیر در برگیرنده اسناد تجاری به معنای خاص (چک، سفته، برات) می باشد [۱] درحالی که همانطور که درست اشاره شده است دامنه‌ی شمول اسناد تجاری گسترده‌تر از این اسناد می باشد به طوری که می توان علاوه بر موارد گفته شده، به اوراق بهادار، اوراق سهام، قبض انبار و... نیز اشاره کرد. [۲]

اما در خصوص رسمی یا عادی بودن اسناد تجاری پر واضح است که اسناد تجاری به دلیل عدم وجود شرایط خاصه اسناد رسمی، سند رسمی محسوب نشده لذا اصولاً مزیت‌های اسناد رسمی را دارا نمی باشند، کاربرد واژه‌ی اصولاً بدین جهت است که قانون‌گذار با هدف اعتبار بخشی بیشتر به اسناد تجاری گاه مزیتی در خور اسناد رسمی بدان اعطا کرده است؛ به عنوان مثال ماده ۲ قانون صدور چک، چک را از اسناد لازم‌اجرا محسوب کرده است:

«چک‌های صادر عهده بانک‌هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم‌الاجرا است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل یا به هر دلیل دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید...»

همچنین در ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی دعاوی مستند به اسناد تجاری وخواست شده دادگاه مکلف به پذیرش درخواست تامین خواسته می باشد.<sup>۱</sup>

## ۳: اصول حاکم بر اسناد تجاری

- اصل استقلال امضاها: هر امضا بر سند تجاری اعتبار جداگانه‌ای دارد و فرد نمی تواند با ایراد وارد کرد به یک امضا از پرداخت مبلغ سند اجتناب کند بلکه باید اعتبار امضا مورد بررسی قرار گیرد. مثلاً اگر چند نفر برات را ظهورنویسی کرده باشند، مدعی صرفاً به دلیل جعلی بودن یکی از امضاها نمی تواند از پرداخت مبلغ سند سرباز زند.

<sup>۱</sup> - ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی: خواهان می تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی

که حکم قطعی صادر نشده است در موارد زیر از دادگاه درخواست تامین خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است:

الف- دعوا مستند به سند رسمی باشد.

ب- خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد.

ج- در مواردی از قبیل اوراق تجاری وخواست شده که به موجب قانون، دادگاه مکلف به قبول درخواست تامین باشد.

د- خواهان، خساراتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید نقداً به صندوق دادگستری بپردازد.

- اصل استقلال تعهد: به موجب این اصل همین که فرد سند تجاری را امضا کند بدهکار می‌شود و دیگر اسناد اثبات‌کننده<sup>۲</sup> بدهی در جایگاه خود اعتبار دارند، مثلاً مدعی نمی‌تواند بگوید این بدهی با بدهی من نزد دارنده سند تجاری تهاثر شده زیرا تا زمانی که سند (چک) وجود دارد بدهی نیز وجود دارد.
- اصل عدم استماع ایرادات اسناد تجاری: همان‌طور که گفتیم سند تجاری سندی مستقل است، زمانی که طرفین آن را امضا می‌کنند به معنی قبول آن است و نمی‌توانند به بهانه وجود ایراد از سوی طرف دیگر از پرداخت وجه یا عمل به تعهد آن اجتناب کنند.

#### ۴: استثنائات وارده بر اصل عدم استماع ایرادات اسناد تجاری

- سونیت دارنده سند: وجود حسن نیت در معاملات از شروط اصلی صحت آن است و مدعی با اثبات سونیت شخص می‌تواند آن را باطل کند. برای مثال فردی که با اطلاع از قیمت واقعی یک وسیله آن را به قیمتی گزاف به شخص دیگری بفروشد و چک بگیرد یا چک را بدون عوض دریافت کند چون با عمد این کار را کرده دارنده<sup>۳</sup> با سونیت محسوب می‌شود و طرف دیگر می‌تواند از پرداخت وجه تا زمان خاتمه دعوا اجتناب کند. تحصیل مجرمانه نیز از عوامل تشخیص سونیت فرد است و اگر سند با کلاهبرداری، تهدید و زور، سرقت یا اعمال مجرمانه به دست فرد رسیده باشد هیچ مسئولیتی ایجاد نمی‌کند.
- ایرادات اسناد تجاری شکلی سند: اگر خود برگه سند ایرادی مثل عدم وجود مبلغ یا نام حواله‌گیر داشته باشد دیگر وصف سند تجاری را دارا نیست و اصل عدم استماع ایرادات نیز بر آن صدق نمی‌کند. پس سند باید تمام اوصاف سند تجاری را داشته باشد تا اصول مذکور بر آن صدق کند.
- ایرادات اسناد تجاری عدم اهلیت: در مقابل اهلیت حجر وجود دارد و فردی که محجور است نمی‌تواند معامله انجام دهد و سندی امضا کند و در واقع سند کان لم یکن شده و فسخ می‌شود و در این صورت امضا کننده با بیان این ایراد مبلغ سند را پرداخت نمی‌کند.
- ایرادات اسناد تجاری امضا: فرد تنها زمانی متعهد محسوب می‌شود و سند دارای اعتبار است که خود او پای سند را امضا کرده باشد در غیر این صورت اصلاً تعهدی ایجاد نشده که فرد بخواهد آن را پرداخت کند. دعوا جعل نسبت به امضا قابل استماع است اما با وجود اصل استقلال امضا اختلالی در امضای دیگران ایجاد نمی‌کند.

#### ۵: نمایندگی در حقوق

در قانون مدنی ایران تعریف دقیقی از نمایندگی ارائه نشده است اما حقوق دانان تعاریف متعددی از آن بیان نموده‌اند؛ عده‌ای از حقوق دانان نمایندگی را رابطه‌ای حقوقی دانسته‌اند که به موجب آن نماینده می‌تواند به نام و حساب اصیل قراردادی را منعقد کند به طوری که آثار آن متوجه شخص اصیل باشد[۳]

<sup>۲</sup> - اصیل شخصی است که نمایندگی را اعطا می‌نماید.

تعریف فوق بر اساس مواد ۶۵۶ و ۶۷۴ قانون مدنی انجام گرفته است؛ در این تعریف نماینده به مثابه یک واسطه است اما یک تفاوت اصلی با آن خواهد داشت و آن این است که اراده‌ی نماینده رکنی از ارکان اصلی انعقاد قرارداد می‌باشد؛ به همین دلیل است که قانون‌گذار داشتن اهلیت را برای نماینده شرط انشا قرارداد دانسته است.<sup>۳</sup> با اینحال بیان اخیر تعریف جامعی به دست نمی‌دهد چرا که از عبارت به کار رفته در آن پیداست که نماینده را تنها در اعمال حقوقی دو طرفه مجری دانسته است حال آنکه بر اساس اطلاق موجود در قانون نهاد نمایندگی در ایقاعات نیز قابل اعمال می‌باشد.<sup>۴</sup>

حقوق دان دیگری در جهت تعریف نمایندگی بیان می‌دارد؛ هرکس به حساب دیگری و با هدف تأمین منافع و مصالح او تصرفات و اقداماتی را انجام دهد نماینده محسوب می‌شود خواه از سوی او منصوب شده باشد یا به حکم قانون [۴] اشکال این تعریف نیز این می‌باشد که نویسنده گویی تلاش برای بیان اوصاف نماینده است تا اینکه بخواهد نهاد نمایندگی را شرح دهد. اما تعریفی که به نظر نگارنده می‌تواند مناسبت بیشتری داشته باشد، تعریفی است که یکی از حقوق دان‌ها ارائه داده است ایشان می‌فرماید: «نمایندگی جایگزینی اراده‌ی نماینده به جای اراده اصیل است که اثر قانونی این اراده درست مثل زمانی که اراده از سوی اصیل صادر شود، به شخص اصیل بازگشت می‌کند». [۵]

#### ۶: نمایندگی در فقه

در فقه و کتب فقهی نه باب معین به نمایندگی اختصاص یافته و نه حتی تعریف دقیقی از نمایندگی صورت گرفته است؛ آنچه که در فقه مشاهده می‌شود صرفاً تعریف نهادهایی است که در آن نمایندگی از ارکان اصلی قرار می‌گیرد و به نوعی زیر مجموعه آن محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر فقها به تعریف مصادیق نمایندگی پرداخته و از آن طریق ویژگی‌های مرتبط با نماینده را شرح داده‌اند؛ به عنوان مثال عده‌ای از فقها وکالت – که از مصادیق بارز نمایندگی است – را استنباه در تصرف امری در حیات [۶] و عده‌ای دیگر آن را تسلیط دیگری در تصرف بر امری که موکل قدرت تصرف بر آن را دارد تعریف کرده‌اند. [۷]

#### ۷: اقسام نمایندگی

گرچه با گذر زمان مفاهیم جدیدی از جمله نمایندگی ظاهری در نهاد نمایندگی مطرح شده است [۸] اما کماکان حقوق دانان از تقسیم بندی های سنتی استفاده می نمایند؛ حقوق دانان نمایندگی را از جهات مختلف به چند دسته تقسیم بندی نموده اند که در اینجا ما به دو مورد آن که عمومیت بیشتری دارد اشاره می کنیم:

<sup>۳</sup> - ماده ۶۸۲ قانون مدنی: محجوریت موکل موجب بطلان وکالت میشود مگر در اموری که حجر مانع از توکیل در آنها نمی باشد و همچنین است محجوریت وکیل مگر در اموری که حجر مانع از اقدام در آن نباشد.

<sup>۴</sup> - وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.

## ۷-۱: به اعتبار منشا ایجاد

نماینده‌گی برحسب منشا ایجاد آن به سه دسته تقسیم بندی شده است:

- نماینده‌گی قراردادی: عبارت است از نماینده‌گی بر حسب توافق دو اراده به طوری که اصیل شخص دیگری را مسلط بر امری از امور قابل تصرف خود می‌نماید؛ [۹] با اینکه قانونگذار به صراحت وکالت را عقدی دو طرفه دانسته است اما رویه فعلی دفاتر اسناد رسمی مبنی بر عدم نیاز قبول از سوی وکیل این ظن را ایجاد می‌نماید که در وکالت قبول وکیل شرط نیست اما این برداشت، برداشتی اشتباه است و انعقاد عقد وکالت الزاماً مشروط به حصول توافق میان موکل و وکیل می‌باشد؛ شاید بتوان مورد اخیر را نیابت در امور دانست که تنها با اراده اصیل قابل تحقق است.

- نماینده‌گی قانونی: وجه تسمیه این دسته از آنجاست که قانونگذار، در قانون بعضی را نماینده بعضی دیگر قرارداده است [۱۰] به عبارت دیگر منشا تحقق این نماینده‌گی نه اراده اشخاص، بلکه اراده قانونگذار است. این نوع نماینده‌گی در فقه تحت عنوان «ولایت» بحث می‌شود که برای مثال می‌توان به نماینده‌گی پدر و جد پدری بر فرزند سفیه یا صغیر خود نام برد.<sup>۵</sup>

- نماینده‌گی قضایی: در نماینده‌گی قضایی، نماینده بر اساس تصمیم و رای دادگاه انتخاب می‌شود و اراده‌ی اصیل در آن نقشی نخواهد داشت؛ بارزترین مصداق این نوع نماینده‌گی، بحث قیمومیت و نصب قیم توسط دادگاه به منظور انجام امور مربوط به محجور می‌باشد.

## ۷-۲: بر اساس موضوع مورد نماینده‌گی

نماینده‌گی را بر اساس ماهیت و موضوع آن می‌توان به دو دسته مدنی و تجاری تقسیم بندی نمود:

- نماینده‌گی مدنی: عبارت است حالتی که نماینده‌گی برای امور مدنی و حقوقی به نماینده اعطا می‌شود.
- نماینده‌گی تجاری: نماینده‌گی که برای انجام امور تجاری به نماینده داده می‌شود. که شامل نماینده‌گی در صدور، ظهورنویسی و ضمانت اسناد تجاری نیز می‌گردد

## ۸: نماینده‌گی در اسناد تجاری

همانطور که پیش از این گفته شد پذیرش نماینده‌گی در اسناد تجاری در عصر حاضر لازمه می‌باشد فارغ از مباحثی که در زمینه مزیت نماینده‌گی در حقوق تجارت طرح می‌شود اساساً اشخاص حقوقی اراده‌ی خود را به وسیله‌ی نمایندگان قانونی خود ابراز می‌نمایند چرا که دارای شخصیت اعتباری می‌باشند و خود به تنهایی نسبت به اداره امور خود ناتوانند.

<sup>۵</sup> - ماده ۱۸۰ قانون مدنی: طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد.

با توجه به قوانین کشورهای مختلف و از جمله قانون آنسیترا ل میتوان به قطع حکم نمود که نظام حقوقی کشورها نمایندگی در اسناد تجاری را پذیرفته اند؛ در حقوق ایران نیز ماده ۲۲۷ قانون تجارت<sup>۶</sup> به صراحت امکان امضای سند تجاری را مورد پذیرش قرار داده است علاوه بر مقرره‌ی اخیر ماده ۱۹ قانون صدور چک نیز به طور ضمنی نمایندگی در صدور چک را قابل قبول دانسته است.

## ۹: شرایط نمایندگی در اسناد تجاری

گفته شد که اموری که نماینده به نمایندگی از شخص اصیل انجام می‌دهد اگر در چهارچوب اختیاراتش باشد دارای همان آثار است که اگر خود اصیل آن را انجام می‌داد و به طور کلی آثار اعمالی که نماینده انجام می‌دهد به اصیل باز خواهد گشت؛ در ادامه به بررسی شرایطی که اصولاً برای نمایندگی در اسناد تجاری مورد نیاز است می‌پردازیم.

### ۹-۱: وجود اهلیت برای اصیل

وجود اهلیت اصولاً برای انجام اغلب اعمال حقوقی شرط اساسی تلقی می‌شود که در صورت عدم وجود آن معامله باطل یا دست کم غیر نافذ تلقی می‌گردد؛ [۱۰] صدور سند تجاری نیز در زمره‌ی اعمال حقوقی جای می‌گیرد لذا نیازمند اهلیت لازم برای تصرف در اموال می‌باشد؛ چگونه می‌تواند شخصی که خود اهلیت و توانایی لازم برای اعمال تصرف در اموال خود را ندارد به شخص دیگری قدرت و اختیار نمایندگی از جانب خود اعطا نماید؟ بر همین اساس باید پذیرفت که اصیل الزاماً می‌بایست دارای اهلیت تصرف در اموال خود یا به طور مشخص، صدور سند تجاری مربوطه را داشته باشد بنابراین سفیه، مجنون، صغیر و تاجر ورشکسته به دلیل عدم وجود اهلیت، شایستگی و اختیار اعطای نمایندگی و نیابت در صدور اسناد تجاری را دارا نمی‌باشند.

اما وجود اهلیت برای نماینده در همه‌ی حالات شرط نیست، به عنوان مثال می‌توان به تاجر ورشکسته اشاره کرد؛ تاجر ورشکسته از تصرف در اموال خود ممنوع است حال آنکه نمایندگی از دیگری تصرف در اموال خود محسوب نمی‌گردد لذا اصولاً نمایندگی تاجر ورشکسته از اصیل منع قانونی نخواهد داشت. علاوه بر مورد فوق نمایندگی در وصول وجه سند تجاری نیز عمل حقوقی محسوب نمی‌گردد لذا می‌توان آن را بر عهده سفیه نیز قرارداد.

### ۹-۲: وجود امضا

می‌دانیم که برای انجام اعمال حقوقی نیازمند قصد انشا و اعلام آن به شخص مقابل می‌باشیم؛ در اسناد تجاری امضا یا هر عمل دیگری که در قانون جایگزین آن در نظر گرفته شده است شرط اساسی صدور سند تجاری قرار می‌گیرد به طوری که بر اساس مواد قانون تجارت<sup>۷</sup> سند تجاری و چه بسا هر سند مدنی که امضا نداشته باشد اصولاً سند محسوب نمی‌شود.

<sup>۶</sup> - ماده ۲۲۷ قانون تجارت: برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

<sup>۷</sup> - ماده ۲۲۳ قانون تجارت: برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱- قید کلمه (برات) در روی ورقه.

مسئله‌ای که در بحث امضا مطرح می‌شود، جعل امضا می‌باشد، جعل امضا می‌تواند موجب رافع مسئولیت مدعی جعل باشد و این استثنایی بر اصل عدم توجه ایرادات نسبت به اسناد تجاری می‌باشد در هر حال اثبات جعل امضا تنها در خصوص شخصی که امضایش جعل شده موثر است و در رابطه با اعتبار سند نقشی ایفا نمی‌کند به عنوان مثال سندی با جعل امضا صادر می‌شود، سند مذکور مورد انتقال به وسیله ظهرنویسی می‌گردد و در این بین عده‌ای ضامن نیز آن را ضمانت می‌کنند حال در صورتی که جعلی بودن امضا صادر کننده ثابت شود تنها اوست که مسئولیتی در قبال سند نخواهد داشت و مابقی اشخاص مندرج در سند مسئولیت ناشی از امضا خود را خواهند داشت و این به دلیل اعتبار خاصی است که اسناد تجاری در فضای حقوق دارا می‌باشند.

### ۹-۳: تصریح نام اصیل

در قواعد عام نمایندگی می‌توان قراردادها را از حیث تصریح نام اصیل به قراردادهایی که نام اصیل افشا شده یا نشده است تقسیم بندی کرد و اصولاً چه در قراردادهای حقوقی و مدنی و چه مسائل تجاری می‌توان پذیرفت که اصیل بنابر تشخیص خود از افشای هویت خویش خودداری کرده و قرارداد را به نام نماینده‌ی خود منعقد نماید؛ این مزیت در قانون تجارت ایران نیز در مبحث حق‌العمل‌کاری مورد تأیید قرار گرفته است.

بر اساس ماده ۳۵۷ قانون تجارت: «حق‌العمل‌کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق‌العملی دریافت می‌دارد.» مقررهای اخیر و مواد بعد از آن به خوبی حاکی از پذیرش امکان عدم افشای هویت اصیل (آمر) در حقوق تجارت ایران می‌باشد؛ با این حال در خصوص اسناد تجاری ماجرا کمی متفاوت‌تر می‌باشد.

در حقوق تجارت اسناد تجاری به دلیل اهمیتشان در مبادلات تجاری، ارتباط تناتنگی با اعتبار تجاری اشخاص دخیل در سند دارد به طوری که صادرکننده اصلی سند یا ظهر نویسان نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتبار معنوی آن سند ایفا می‌کنند

۲) تاریخ تحریر (روز و ماه و سال).

۳) اسم شخصی که باید برات را تادیه کند.

۴) تعیین مبلغ برات.

۵) تاریخ تادیه وجه برات.

۶) مکان تادیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال‌علیه باشد یا محل دیگر.

۷) اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته می‌شود.

۸) تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.

ماده ۳۰۷ قانون تجارت: فته‌طلب سندی است که به موجب آن امضاکننده تعهد می‌کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به‌حواله‌کرد آن شخص کارسازی نماید



این رابطه حتی با کمی دقت در زندگی روزمره قابل مشاهده است آنجایی که تجار هر سند تجاری را مورد قبول قرار نداده و ابتدا نسبت به اعتبار صادرکننده یا ظهرنویسان آن اطمینان حاصل می نمایند؛ با توجه به همین خصیصه، تقریباً اغلب نظام‌های حقوقی نسبت به پذیرش حق عدم افشای هویت اصیل در نمایندگی اسناد تجاری دچار تردید شده‌اند به عنوان مثال در بند ماده ۳۶ کنوانسیون آنسیترال میخوانیم:

«در صورتی که نماینده سمت خود را در سند قید کند، اما در سند تصریح به هویت و نام اصیل ننماید آثار و مسئولیت سند بر عهده‌ی نماینده می‌باشد [نه اصیل].»<sup>۸</sup>

#### ۹-۴: تصریح به رابطه نمایندگی

به طور کلی در قراردادهایی که به وسیله‌ی نماینده منعقد می‌شود اصولاً تصریح به نمایندگی در هنگام انعقاد قرارداد الزامی نیست بلکه هر زمان اثبات شود که معامله به نمایندگی بوده است تمامی آثار و مسئولیت قرارداد مذکور با اصیل خواهد بود این قاعده تقریباً در قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است به طوری که می‌توان ادعا کرد، به عنان یک اصل مورد قبول قرار گرفته است؛ در نظام حقوقی ایران نیز در ماده ۱۹۶ قانون مدنی می‌خوانیم:

«کسی که معامله میکند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود معذک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود میکند تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید.»

قاعده‌ی فوق در اسناد تجاری با استثنا مواجه می‌گردد؛ با این توضیح که با توجه به حساسیت اسناد تجاری در روابط تجاری تجار و بر اساس همان مطالبی که در مبحث قبل بدان اشاره شد، اعتبار اسناد تجاری در گرو اشخاصی است که در سند نام آن‌ها درج شده است لذا می‌بایست این‌گونه حکم کرد که هرگاه نماینده بدون ذکر سمت نمایندگی خود سند تجاری را صادر یا ظهرنویسی و ... انجام دهد آثار و مسئولیت ناشی از آن بر عهده‌ی خود وی باشد چرا که دارنده سند به اعتبار شخصی که آن را امضا نموده است آن سند را قبول کرده و چه بسا اگر متوجه سمت نمایندگی وی و هویت اصیل می‌گشت اقدام به پذیرش آن سند نمی‌کرد.

در قوانین ایران تصریحی به وجود استثنای فوق‌الذکر نشده است اما وجود چنین قاعده‌ای ضروری به نظر می‌رسد؛ به عنوان مثال اگر شخص الف در وجه شخص ب سفته‌ای صادر نماید و در آن تصریح به سمت نمایندگی خود ننماید، قاعدتاً باید آثار صدور آن را بر خود شخص الف بار بدانیم؛ پرسشی که ممکن است مطرح شود این است که آیا تصریح به سمت نمایندگی الزاماً می‌باست در سند تجاری منعکس شود یا حتی در صورت اعطای نمایندگی در خارج از سند این شرط واقع می‌گردد؟

<sup>۸</sup>- A signature placed on an instrument by a person as agent but who lacks authority to sign or exceeds his authority, or by an agent who has authority to sign but who does not show on the instrument that he is signing in a representative capacity for a named person, or who shows on the instrument that he is signing in a representative capacity but does not name the person whom he represents, imposes liability on the person signing and not on the person whom he purports to represent.

در پاسخ باید گفت به نظر می‌رسد آنچه که اهمیت دارد، انعکاس سمت نمایندگی در خود سند تجاری است چرا که هدف از افشا سمت نمایندگی، اطلاع ذی نفع سند تجاری از طرف معامله خود و میزان اعتبار تجاری وی می‌باشد، چیزی که در صورت اعطای نمایندگی خارج از سند تجاری امکان پذیر به نظر نمی‌رسد.

#### ۹-۵: عمل در حدود اختیار

یکی از ارکان اصلی اعتبار عمل نماینده که از مواد مربوط به وکالت قابل برداشت است، عمل در حیطه اختیار و البته بر وفق صلاح اصیل می‌باشد ماده ۶۶۷ قانون مدنی بیان می‌دارد:

«وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه که موکل بالصراحه به او اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار او است تجاوز نکند».

بنابراین نماینده بایستی از جانب اصیل اختیار عمل حقوقی مربوطه از قبیل صدور، انتقال، ضمانت و... بر روی سند تجاری را دارا باشد به عنوان مثال مدیرعامل شرکت که نماینده شخص حقوقی می‌باشد تنها می‌تواند در حیطه اختیاری که به او داده شده اقدام به صدور چک یا سفته به نام و حساب شرکت (شخص حقوقی) نماید.

#### ۱۰: مسئولیت نماینده در اسناد تجاری

همانطور که گفته شد بر اساس قواعد عام نمایندگی و مواد مرتبط با عقد وکالت در قانون مدنی، اعمال حقوقی انجام شده توسط نماینده به حساب اصیل بوده و کلیه آثار و مسئولیت‌های ناشی از آن اعمال، بر عهده اصیل یا آمر می‌باشد در قانون تجارت اما وظعیت کمی پیچیده تر است اما در هر حال می‌توان حالاتی را فرض کرد که در آن نماینده دارای مسئولیت می‌باشد:

#### ۱۰-۱: نماینده در صدور چک

قانون گذار در ماده ۱۹ قانون صدور چک بیان می‌دارد:

«در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب امضا متضامنا مسول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو نفر صادر می‌شود. به علاوه امضاکننده چک طبق مقررات این قانون مسولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است، که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسوول خواهد بود»

همانطور که مشخص است نماینده شخص (حقوقی یا حقیقی) در صورتی که اقدام به صدور چک کند با اصل متضامناً مسئول پرداخت وجه چک می باشد؛ مقرره‌ی اخیر استثنایی بر اصل عدم مسئولیت نماینده دارای اختیاری است که در حدود صلاحیت خود اقدام به صدور چک نموده است، البته لازم به تاکید است از آنجایی که حکم اخیر استثنایی بر اصل محسوب می شود باید به صورت مضیق تفسیر شود لذا مسئولیت مشار الیه تنها در خصوص صدور چک بوده و شامل سایر اعمال حقوقی انجام شده از قبیل ظهرنویسی توسط نماینده نمی گردد [۱۱]

#### ۱۰-۲: فقدان سمت نمایندگی

این مورد حالتی را شامل می شود که شخصی فاقد اختیار لازم اقدام به صدور یا عمل حقوقی بر روی سند تجاری به نمایندگی از شخص دیگری اقدام می کند. در قواعد عام عمومی اشاره شد که نماینده بایستی در حدود اختیار و صلاحیت خود انجام وظیفه نماید؛ قانون مدنی در ماده ۲۴۷ در بیان وضعیت معاملات فضولی مقرر می دارد:

«معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست ولو اینکه صاحب مال باطناً راضی باشد ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آن را اجازه نمود در این صورت معامله صحیح و نافذ می شود».

در ماده فوق قانون گذار صحت معاملات فضولی منعقد شده توسط شخص فاقد سمت نمایندگی را غیر نافذ می داند بدین معنی که اگر معامله توسط اصل تنفیذ نگردد؛ معامله مذکور از ابتدا باطل و فاقد اثر می گردد لذا در حیطه معامله صورت گرفته نه نماینده و نه اصیل مسئولیتی نخواهند داشت.

با این حال اگرچه در خصوص اسناد تجاری قانون گذار مقرره‌ی خاصی را پیش بینی ننموده است اما نمی توان حکم مذکور در قانون مدنی را شامل اسناد تجاری دانست چرا که سند مذکور از نظر ظاهر تمام شرایط صحت صدور اسناد تجاری را دارا می باشد لذا نمی توان در مقابل دارنده‌ی با حسن نیت به عدم وجود سمت نمایندگی استناد و از مسئولیت گریخت. برداشت فوق در قوانین بین المللی تجاری از جمله قانون متحدالشکل ژنو نیز مورد پذیرش قرار گرفته است و شخص فاقد سمت نمایندگی به عنوان مسئول شناخته می گردد؛ در ماده ۸ قانون اخیر می خوانیم:

«هر شخصی که به عنوان نماینده دیگری امضا خود را در ورقه برات درج نماید درحالی که اختیار چنین عملی را نداشته باشد مانند دیگر مسئولان سند، مسئول پرداخت آن می باشد»<sup>۹</sup>

نتیجه آنکه به دلیل انعکاس امضای نماینده فاقد اختیار در متن سند، خود وی مسئول سند محسوب خواهد شد به عبارت دیگر هرکس که تحت عنوان وکالت امضایش در سند تجاری درج گردد درحالی که دارای اختیار نمایندگی نباشد با استناد به اصل استقلال امضات خودش متعهد سند محسوب می شود؛ [۱۲] اما در دو حالت می توان نماینده را معاف از مسئولیت دانست:

<sup>۹</sup>Article 8: Whosoever puts his signature on a bill of exchange as representing a person for whom he had no power to act is bound himself as a party to the bill and, if he pays, has the same rights as the person for whom he purported to act. The same rule applies to a representative who has exceeded his powers.

الف: در صورت اطلاع دارنده سند از عدم اختیار نماینده (دارنده بدون حسن نیت)

ب: در صورت تنفیذ عمل نماینده توسط اصیل

### ۱۰-۳: عدم افشای نمایندگی

عدم افشای نمایندگی در فرضی اتفاق می‌افتد که اصیل بنا بر ملاحظات تمایل ندارد که هویت خود را در معامله افشا نماید لذا خارج از سند تجاری شخصی را به نمایندگی انتخاب می‌نماید و آن شخص با نام خود و بدون آن که از هویت اصیل اسمی به بیان آورد اقدام به صدور یا هرگونه عملیات دیگری در سند می‌کند و دارنده سند به تصور اینکه نماینده مسئول تادیه وجه سند می‌باشد اقدام به قبول آن می‌نماید نمونه بارز این نوع نمایندگی حق‌العمل کاری می‌باشد که پیش از این بدان اشاره شد.

در فرض فوق با دو مسئله مواجه می‌گردیم از سویی ما می‌دانیم که اصولاً نماینده ای که در محدوده اختیارات خود برای اصیل عمل حقوقی انجام می‌دهد مسئولیتی ندارد و از سوی دیگر دارنده‌ی با حسن نیتی است که با توجه به ظاهر سند و امضای نماینده و اطمینان به او اقدام به پذیرش سند نموده است؛ برای حل این مسئله قانون گذار راه‌حلی ارائه نداده است اما می‌توان پذیرفت از آنجایی که فضای تجارت و اسناد تجاری متفاوت از عموم معاملات است همچنین با توجه به اصل استقلال امضاها به نظر می‌رسد نماینده نیز در مقابل شخص دارنده با حسن نیت - که از سمت نمایندگی مطلع نبوده است - مسئول سند شناخته شود.

### نتیجه گیری

با بررسی که در این پژوهش صورت گرفت مقرر شد که علیرغم اهمیت بحث نمایندگی در اسناد تجاری ما با تفصیل قانونی کمی مواجه هستیم به طوری که تنها می‌توان ماده ۲۲۷ در مبحث صدور برات به وسیله نماینده و ماده ۱۹ قانون صدور چک در باب صدور چک به نمایندگی از اصیل اشاره کرد در حالی که شایسته است قانون گذار به مانند سایر نظام‌های حقوقی به این مسئله توجه و در جهت تصویب قوانین مرتبط و تفصیل بیشتر نمایندگی گام بردارد.

علی‌الاحال بر اساس قوانین عام حاکم بر نمایندگی در قانون ایران و همچنین اصول حاکم بر اسناد تجاری می‌توان حکم نمود که در صورتی که نمایندگی در صدور، ظهورنویسی، ضمانت و یا هر عمل حقوقی دیگری بر روی سند تجاری انجام می‌شود، در حدود صلاحیت و اختیارات نماینده باشد و نماینده به سمت نمایندگی خود اشاره و هویت اصیل را افشا نماید، آثار و مسئولیت ناشی از آن عمل حقوقی تماماً بر عهده‌ی اصیل می‌باشد البته در رابطه با صدور چک استثنائاً قانون‌گذار نمایندگی در صدور چک را مشمول مسئولیت تضامنی با اصیل می‌داند؛ در مقابل اگر نمایندگی در اسناد تجاری فاقد ویژگی‌های فوق باشد، نماینده در مقابل دارنده با حسن نیت مسئول سند می‌باشد چرا که سند از نظر شکلی و ظاهری صحیح تنظیم گشته و انعکاس امضای نماینده مذکور در جهت اعتبار بخشیدن به سند نقش ایفا کرده است لذا وی مسئول سند در نظر گرفته خواهد شد.

## منابع

- ۱) حسن زاده، حیدر، (۱۳۸۷)، ظهورنویسی به نمایندگی در اسناد تجاری، تحقیقات حقوقی آزاد، پیش شماره ۳، بهار و تابستان، ۹۵ - ۱۲۲.
- ۲) اسکینی، ربیعا، (۱۳۸۶) حقوق تجارت (برات، سفته، چک) انتشارات سمت، تهران.
- ۳) کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۸)، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، انتشارات گنج دانش، تهران.
- ۴) جعفری لنگردوی، محمد جعفر، (۱۳۸۹) ترموینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران.
- ۵) ابراهیمی ترکمان، ابوذر (۱۳۷۸)، بررسی ماهیت نمایندگی در فقه و حقوق، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، قم.
- ۶) یزدی، سید محمد کاظم، (۱۳۴۷ ق) ملحظقات عروه الوثقی
- ۷) کاشف الغطاء، محمد حسین، (۱۳۸۴) تحریرالمجله.
- ۸) امینی، منصور و عبدی، مونا (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی نمایندگی ظاهری، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و هشتم، شماره هشتاد و هشتم، ایران، تهران.
- ۹) کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۴)، درس هایی از عقود معین، جلد دوم، انتشارات گنج دانش، تهران.
- ۱۰) کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، اعمال حقوقی، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- ۱۱) کاویانی، کوروش. (۱۳۹۶) حقوق اسناد تجاری، میزان، تهران.
- ۱۲) ستوده تهرانی، حسن، (۱۳۹۳) حقوق تجارت، جلد سوم، دادگستر، تهران.